

تحلیل و ارزیابی شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت (مطالعه موردی: نواحی منطقه ۱ شهر قزوین)

مریم خستو* - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
مرضیه یاحقی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، دانشکده معماری و شهرسازی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین بسترهای ایجاد جامعه پویا و روبه‌رشد، تحقق رفاه شهروندان در اجتماع است. با تکیه بر تقویت شاخص‌های رفاه اجتماعی و در سایه عدالت اجتماعی می‌توان مسائلی مانند نابرابری‌های غیرعادلانه را در شهر به حداقل رساند. پژوهش حاضر کاربردی است و با هدف ارزیابی و تعیین سطح شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی منطقه ۱ شهر قزوین با تأکید بر رویکرد عدالت اجتماعی تدوین شده است. این نواحی هسته شکل‌گیری شهر را در خود جای داده است و ممکن است با گذشت زمان و تزریق شاخص‌های مربوطه، در مقایسه با سایر مناطق شهر به سطح عادلانه رفاه رسیده باشد. روش پژوهش، آمیخته و از نوع «تحلیل محتوا» و «پیمایشی» است. با نظرخواهی از صاحب‌نظران، ۲۲ شاخص رفاه اجتماعی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و کالبدی انتخاب، و برای بررسی توزیع عادلانه این شاخص‌ها، از آزمون t استفاده شد که با توجه به نتایج، شاخص‌های رفاه اجتماعی در منطقه ۱ عادلانه نیست؛ بنابراین، برای شناسایی تأثیرگذارترین عامل برقرارکننده رفاه اجتماعی با بهره‌گیری از آزمون فریدمن، تمام شاخص‌ها اولویت‌بندی می‌شود که سه شاخص درآمد سرانه، وضعیت اشتغال و رضایت شغلی به ترتیب بیشترین تأثیر را دارد. در نهایت با توجه به محدوده‌های ضعیف‌تر در هر یک از شاخص‌ها در دو ناحیه درمی‌یابیم که در تقویت شاخص‌های ضعیف، رفاه اجتماعی و تزریق شاخص‌های مکمل در نواحی شهری برای رسیدن به سطح عادلانه زندگی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، رضایت شغلی، رفاه اجتماعی، سرانه، عدالت اجتماعی، منطقه ۱ شهر قزوین.

مقدمه

مفهوم رفاه اجتماعی در سال‌های اخیر به‌صورت جدی مدنظر جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سایر رشته‌های مرتبط با توسعه شهر و زندگی مطلوب قرار گرفته است. در این بین، متون مرتبط با جامعه‌شناسی و اقتصاد نشان می‌دهد رفاه و بهزیستی تنها به اقصای آسیب‌پذیر یا گروه خاصی از افراد جامعه محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری دارد. یکی از ویژگی‌های مهم داشتن رفاه اجتماعی، احساس سلامت، امنیت و سرزندگی زیاد در فرد است (هیستون و استروب، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، رفاه اجتماعی تأمین‌کننده نیاز و خواسته ساکنان است که افراد جامعه باید آن را داشته باشند.

شایان ذکر است که رفاه برقرارکننده اطمینان، اعتماد و احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی در حال و آینده یک جامعه است. اهمیت نواحی شهری در رشد اقتصادی، پیشگیری از بروز دو قطب فقیر و غنی و حقوق انسانی در این است که چرا رفاه اجتماعی در جوامع و در سطح کلان بررسی می‌شود؛ در صورتی که می‌توان در مقیاس خرد و در سطوح پایین تقسیمات شهری مانند مناطق و نواحی شهری عمل کرد و متضمن برابری در رفاه اجتماعی شد (گوردون، ۲۰۰۰).

اهمیت توجه به عدالت اجتماعی بدان حد است که در عدالت محیطی، کیفیت زندگی مطلوب و توسعه پایدار شهری تأثیر بسزایی دارد؛ تا آنجا که در تمام این موارد، بر تخصیص متوازن رفاه اجتماعی و برابری زندگی تأکید می‌شود. رشد شتابان جمعیت شهرها و شکل‌گیری مناطق و نواحی شهری بدون برنامه‌ریزی‌های خرد، به سمت نادیده‌انگاشتن یا کم‌رنگ جلوه‌دادن برخی شاخص‌های رفاه اجتماعی حرکت کرده است. در این بین، نبود رفاه اجتماعی و توزیع نابرابر آن در مناطق شهری و حتی نواحی یک منطقه، ممکن است به‌وجودآورنده چالشی برای توسعه و شکل‌گیری نامطلوب شهر و بی‌ثباتی اقتصادی، اجتماعی، سلامت زیست‌محیطی و ساختار کالبدی و عملکردی باشد، اما پرسش پژوهش حاضر این است که آیا توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی اعم از مسکن، خدمات و تسهیلات شهری در مقیاس نه صرفاً کلان بلکه خردتر مانند نواحی شهری، توزیع عادلانه‌ای دارد. با توجه به اینکه توان کشاورزی شهر قزوین زیاد است و شهرک‌های صنعتی متعدد و نزدیکی به شهر تهران دارد، هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آید که قابلیت جذب بسیاری از نیروهای فعال اقتصادی را دارد؛ بنابراین، لزوم داشتن سطح مطلوب و عادلانه رفاه در آن ضروری است. در میان مناطق سه‌گانه شهر قزوین، منطقه ۱ نمونه مورد مطالعه و دربرگیرنده بافت تاریخی و محله‌های قدیمی شهر است که دو ناحیه امامزاده حسین و امامزاده علی را شامل می‌شود. می‌توان گفت منطقه ۱ حاصل بافتی قدیمی، میانی و ارگانیک است که در آن هرچه به مرز منطقه دو شهری نزدیک‌تر می‌شویم، سطح رفاهی بیشتر می‌شود. منطقه فوق، هسته اولیه شکل‌گیری شهر قزوین است و شاید با گذشت سال‌های متمادی و تزریق خدمات و برخی مؤلفه‌های مطلوب رفاه اجتماعی، سطح رفاهی بالاتر و عادلانه‌تری داشته باشد. در این راستا، در پژوهش حاضر به کمک ویژگی‌ها و ملاحظات رفاه اجتماعی و زیرشاخص‌های آن، همچنین تعاریف و تجارب جهانی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان این حوزه، به معرفی ابعادی از رفاه اجتماعی و شاخص‌های هر بعد و درنهایت بیان مؤثرترین شاخص‌های رفاه اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین می‌پردازیم تا شاخص‌های فوق را در نواحی معرفی و بررسی کنیم و سطح آن‌ها را در نواحی مختلف منطقه ۱، با تمرکز بر رویکرد عدالت اجتماعی بسنجیم. در این صورت می‌توان به راهکارهایی برای تقویت و تزریق شاخص‌های رفاه اجتماعی عادلانه بنا به ضرورت و شرایط حاکم پرداخت؛ به‌گونه‌ای که یکپارچگی اجتماعی و حتی فضایی ارتقا یابد و بر رفاه شهروندان افزوده شود.

مبانی نظری

رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی ترکیبی از دو کلمه رفاه و اجتماع است. رفاه به حالتی از سلامتی، شادی، سعادت و خوب‌بودن اشاره دارد؛

به‌ویژه به‌صورت مایحتاج ضروری که به نیازمند ارائه می‌شود. کلمهٔ اجتماع نیز متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطرهایی است که در زندگی جمعی به‌وجود می‌آید (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۷). کلمهٔ رفاه در ترجمهٔ اصطلاح لاتین «Welfare» به‌کار می‌رود که برگرفته از کلمهٔ قدیمی «Farewell» به معنای خوب‌بودن و خوب‌شدن است. در معنی وسیع‌تر نیز حالتی از مناسب‌بودن را شامل می‌شود. امروزه، این مفهوم معنای اولیهٔ خود را از دست داده است و بیشتر به برنامه‌های اجتماعی دولت‌ها اطلاق می‌شود (میجلی، ۱۳۷۸: ۴-۵).

از نظر فیتزپتریک، رفاه سه معنای دووجهی دارد:

الف) عینی و ذهنی؛

ب) فراگیر و محدود؛

ج) فردی و جمعی که بیشتر بر مفهوم اول تأکید دارد.

در معنای ذهنی رفاه، ادراک، شناخت و تجارب فردی مهم است، اما در معنای عینی آن به دو مورد توجه می‌شود: یکی کاملاً عینی که ارتباطی با رفاه ندارد و دیگری معنای نسبتاً عینی که با احساسات نیز در ارتباط است و اجازه می‌دهد تجربیات دو نفر با یکدیگر مقایسه شود (اسلام، لارک، ۲۰۰۳: ۲۷-۳۱).

رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. زیستی؛

۲. حقوقی؛

۳. اجتماعی؛

۴. اقتصادی (باری، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

همچنین شامل پنج جزء مهم زیر است:

۱. تأمین اجتماعی؛

۲. اشتغال؛

۳. آموزش و پرورش؛

۴. بهداشت؛

۵. مسکن (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۸۴-۸۶).

برای واژهٔ رفاه، مفاهیمی مشابه یافت می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها کیفیت زندگی، خوشبختی، مطلوبیت و رضایتمندی است.

۱. کیفیت زندگی؛ در دو بعد عینی و ذهنی، سطحی از برخورداری مالی، خوب‌بودن روانی و عاطفی، سلامت جسمانی، بهره‌مندی از روابط اجتماعی (پیوند و اعتماد) و اشتغال، بهزیستی ذهنی و شرایط بهینهٔ محیطی است (صانعی، ۱۳۹۱: ۶۳).

۲. خوشبختی؛ جورج خوشبختی را ارزیابی عاطفی کیفیت زندگی می‌داند و معتقد است رضایت از زندگی، ارزیابی وضعیت کلی زندگی است و از مقایسهٔ خواسته‌های فرد با دستاوردهای واقعی‌اش حاصل می‌شود (نوغانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

۳. مطلوبیت؛ اصل مطلوبیت یعنی اساس کار در هر استدلالی، محاسبه و مقایسهٔ دردها و لذت‌ها باشد و هیچ اندیشهٔ دیگری در استدلال راه نیابد. باید توجه داشت که مطلوبیت‌گرایی، بیشترین فایده را برای بیشترین افراد دارد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۲).

۴. رضایتمندی: صرف‌نظر از تفاوت بین این نظریه‌ها، به‌نظر می‌رسد در همه آن‌ها هدف فلسفه اجتماعی و خط‌مشی عمومی، راضی‌تر کردن و سعادتمند کردن افراد جامعه است (باری، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

شاخص‌های رفاه اجتماعی

در تقسیم‌بندی کلی، شاخص‌های رفاه اجتماعی به دو گروه کمی و کیفی، و منفرد و ترکیبی تقسیم می‌شوند.

الف) شاخص‌های کمی و کیفی

منظور شاخص‌هایی است که به‌صورت عددی اندازه‌گیری می‌شود. معایب، محدودیت‌های سرانه ملی و درآمد ناخالص ملی به‌مثابه معیارهای مشخص‌کننده رفاه اجتماعی نیز شاخص‌های کیفی به‌شمار می‌آیند (مدنی، ۱۳۸۴: ۴۳).

ب) شاخص‌های منفرد و ترکیبی

شاخص‌های منفرد رفاه اجتماعی، تنها بعد خاصی از رفاه اجتماعی را سنجش و ارزیابی می‌کنند؛ برای مثال درآمد ملی سرانه، شاخصی منفرد است که در آن فقط به بعد مصرف در رفاه جامعه توجه می‌شود. در مقابل، شاخص‌های ترکیبی (تجمیعی از شاخص‌های منفرد) رفاه را از ابعاد مختلف اندازه‌گیری می‌کنند (سازمان همکاری اقتصاد و توسعه، ۲۰۰۸). مهم‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی در جامعه ایران عبارت است از شاخص‌های بهداشتی، اجتماعی (امنیت اجتماعی)، اقتصادی (امنیت اقتصادی)، کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، کیفیت نیروی انسانی (همان: ۵۰-۵۳).

مفهوم عدالت

علاقه افراد به عدالت از نیاز طبیعی اساسی منتج می‌شود. افراد نیازهای فردی متفاوتی دارند که آن‌ها را از طریق تعامل با دیگران به بهترین نحو برآورده می‌کنند. این نیازها طیفی از نیازهای اقتصادی از جمله پول و امکانات مادی تا نیازهای اجتماعی-احساسی انتزاعی از قبیل توجه و احترام شخصی هستند. در این بین، افراد با کمک عدالت به استانداردهایی می‌رسند تا قضاوت کنند که آیا این نیازها در محیط‌های اجتماعی اغلب پیچیده برطرف می‌شود یا خیر (استیون، ۱۹۹۱: ۱۸۹). در جغرافیای انسانی و جغرافیای شهری نقش اول به عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی داده شده که از این میان، جغرافیای انسانی تنها در راه بهبودی محیط زندگی انسان و تأمین اجتماعی او اعتبار علمی یافته است (همان: ۱۴۳). از سوی دیگر، بخش مهمی از علم بدیع توسعه پایدار، بر اهمیت برابری اجتماعی یا عدالت اجتماعی تأکید دارد. اگی من وایوانز (۱۹۹۴) استدلال می‌کند که در واقع تمام تعابیر پایداری بر اصل برابری دلالت دارد (برتون، ۲۰۰۱: ۱).

عدالت اجتماعی^۱

مفهوم عدالت اجتماعی آن‌قدر فراگیر نیست که بتوان با آن در مورد رفاه اجتماعی داوری کرد. عدالت را می‌توان یک اصل تلقی کرد. دیوید هاروی در *عدالت اجتماعی و شهر* (۱۹۷۳) مسیرهای تازه‌ای در مطالعات شهری به‌وجود آورده و جغرافیای شهری را بیش از پیش به استفاده از عدالت اجتماعی در جامعه شهری نزدیک کرده است (شکوئی، ۱۳۷۷: ۵۹). از نظر او عدالت اجتماعی در شهر باید به‌گونه‌ای پاسخگوی جمعیت نیازهای شهری باشد (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۱۹-۱۲۰). از نظر وی، مفهوم عدالت اجتماعی در نهایت یعنی «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» (وارثی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۳). مفهوم

«عدالت اجتماعی» در شهر، نگهداری منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به‌طور عام و گروه‌های هدف به‌طور خاص، از طریق گسترش بهینه منابع شهری درآمدها و هزینه‌هاست (گری، ۲۰۰۲).

معیارهای عدالت اجتماعی

۱. نیاز؛ نیاز را می‌توان برحسب چند مقوله مختلف فعالیت تعریف کرد. این مقولات کم‌وبیش ثابت هستند و نه نوع آن عبارت‌اند از: خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، تحصیلات، خدمات اجتماعی و خدمات مربوط به محیط‌زیست، کالاهای مصرفی، تأسیسات تفریحی، دلپذیری محله، وسایل حمل‌ونقل (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۲). باید توجه داشت که افراد در بهره‌برداری از منابع و امتیازات، حقوق مساوی دارند، ولی نیاز همه آن‌ها مشابه نیست. تساوی در بهره‌برداری از دیدگاه افراد به‌صورت تخصیص نابرابر منافع جلوه‌گر می‌شود (رانسیمن، ۱۹۹۶: ۲۱).

۲. کمک به مصالح عمومی (منفعت عمومی)؛

۳. استحقاق (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

رابطه رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی

هنگامی که سطح رفاه دو گروه یا دو جامعه یا مقایسه با حالتی ایده‌آل صورت می‌گیرد یا زمانی است که دو گروه را مقایسه می‌کنیم اگر قبول کنیم که امکانات رفاهی از سوی جامعه برای افراد فراهم می‌شود و حق ملت است، بحث عدالت پیش می‌آید. با استفاده از شاخص‌های رفاهی، نه تنها سطح رفاه سنجیده می‌شود، بلکه هم‌زمان می‌توان درباره نابرابری و بی‌عدالتی نیز اظهارنظر کرد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۶: ۲۵۱). از سوی دیگر براساس نظریه اخلاقی دولت که هگل مطرح کرده است، وظیفه اخلاقی دولت حفظ منافع همه شهروندان جامعه با توجه به عدالت، به‌ویژه عدالت اجتماعی است که این امر موجب می‌شود میل به پایداری، احساس امنیت و رفاه در ذهن افراد جامعه ایجاد شود (ویواکی، آناستاسیوس، ۲۰۰۸: ۴۷۹).

پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله حاضر به شرح جدول ۱ دسته‌بندی شده است.

مدل تحلیلی پژوهش

در تدوین مدل تحلیلی پژوهش (شکل ۱)، رفاه اجتماعی در جایگاه مفهوم اصلی، متشکل از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و زیستی است که هر یک از این ابعاد مؤلفه‌هایی دارند. رفاه اجتماعی شامل اجزایی است که مهم‌ترین آن‌ها مسکن، آموزش و پرورش، بهداشت، تأمین اجتماعی و اشتغال است. در تعیین ابعاد تعیین‌کننده عدالت اجتماعی سه بعد نیاز، منفعت عمومی و استحقاق وجود دارد که عدالت اجتماعی و ابعاد آن به‌عنوان نیروی محرکه برای پیشبرد شاخص‌های رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و غایت اساسی آن به‌کارگرفتن تمام این معیارها به‌صورت عادلانه و در نظر گرفتن برابری اجتماعی است.

پژوهش‌های مختلفی درباره رفاه اجتماعی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و توسط دولت‌ها صورت گرفته است؛ از این رو در پژوهش حاضر سعی شد به‌منظور دخالت امور شهری و در حیطه برنامه‌ریزی شهری، از میان دیدگاه نظریه‌پردازانی چون فاینشتاین به دو بعد تنوع و مشارکت توجه شود که تنوع بیشتر در بحث کاربری‌های مختلط یا ناهمگونی طبقاتی و قومی نژادی در فضای عمومی مد نظر است، اما در بحث مفاهیم مربوط به رفاه، به مواردی توجه شد که ارتباط

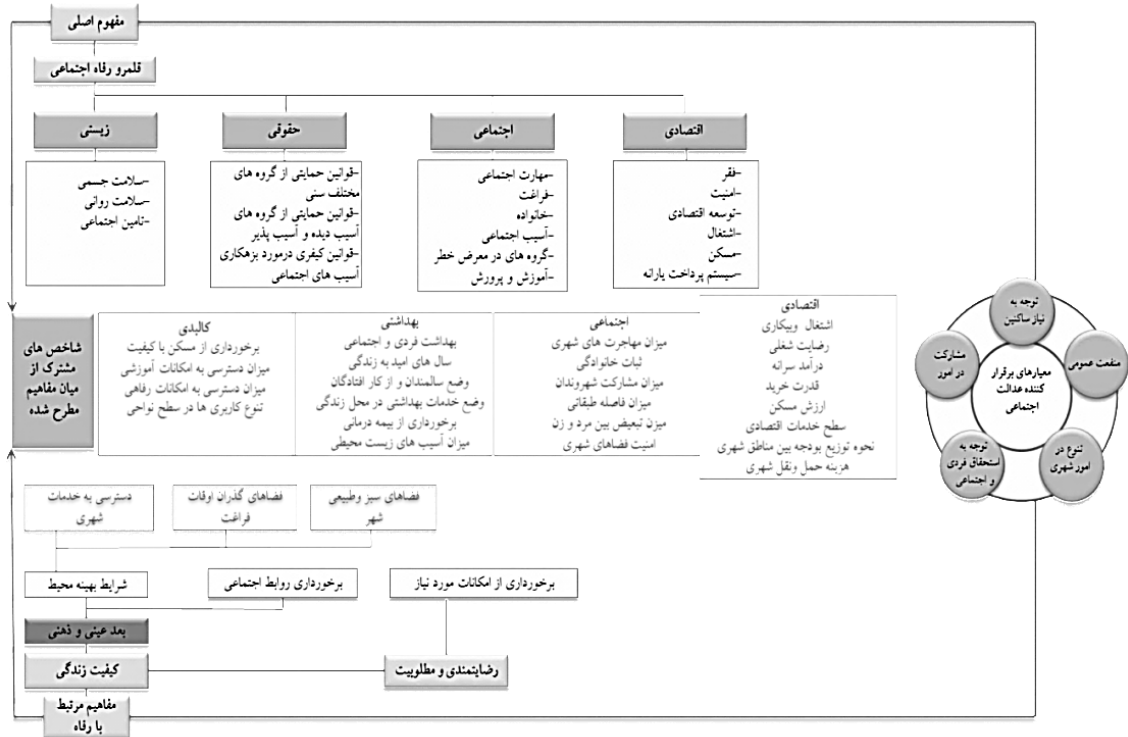
جدول ۱. پیشینه پژوهش

سال	نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	روش پژوهش و توضیحات	نتایج پژوهش
۲۰۱۵	ایوانکینا و لاتیگواسکیا	رفاه اجتماعی مدرن در پرتو مدل پایداری	هویت اجتماعی و ادغام اجتماعی - فرهنگی فرد با جامعه، رفاه اجتماعی را ساختاری چندعاملی با سنتز علت و معلول می‌داند. روش پژوهش برای روشن کردن این مفاهیم، رویکرد هرمنوتیکی و مقایسه است.	۱. مقررات برای رفاه، مفهومی هستی‌شناسانه است که در حال تغییر واقعیت اجتماعی است. ۲. رفاه اجتماعی عامل کلیدی ثبات اجتماعی و روابط پایداری است.
۲۰۱۵	محمد عثمان و دیگران	ارزیابی سیستم خدمات بخش رفاه اجتماعی در مقایسه با گروه محروم و آسیب‌پذیر در مالزی (نمونه موردی: پراک)	این مطالعه به‌صورت حضوری و پرسشنامه‌ای انجام شده و ۲۵۰ نفر از گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم در پراک با استفاده از روش کوکران انتخاب شده‌اند.	۱. بین کیفیت زندگی پاسخ‌دهندگان و عرضه خدمات در سازمان‌های دولتی ارتباط وجود دارد. ۲. یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه دستیابی به پایداری اجتماعی، امنیت انسانی است.
۲۰۱۵	کرنینکو و سیریمکینا	عدالت به‌عنوان شاخص رفاه در جامعه مدرن	در این پژوهش به بررسی شاخص‌های اجرایی دولت‌ها و مقایسه آن‌ها پرداخته شده و با بهره‌گیری از نظریه‌های موجود و بررسی اسناد فرادست جوامع، در نهایت به تعدادی از شرایط لازم اشاره شده است.	شرایط لازم برای رسیدن به شاخص‌های رفاه در جامعه مدرن، مالکیت عمومی در محصول تولیدی، برابری اجتماعی کامل مردم و در نهایت توسعه همه‌جانبه جامعه است.
۱۳۹۱	هاشمی، امیراسلان	بررسی رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت اجتماعی و اقتصادی شهروندان (مورد مطالعه: شهر زنجان)	روش پژوهش پیمایشی، و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمام شهروندان ۲۵ تا ۶۰ ساله ساکن شهر زنجان است.	۱. رابطه‌ای مستقیم بین رفاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت اجتماعی شهروندان وجود دارد. ۲. سرمایه فرهنگی مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده میزان مشارکت شهروندان برای دستیابی به رفاه اجتماعی است.
۱۳۹۰	لطیفی، غلامرضا و قیداری، سجاسی مجید	رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از فن TOPSIS	روش مورد استفاده در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های توصیفی و تحلیلی است و با استفاده از فرایند اولویت‌بندی مدل تاپسیس و فن وزن‌دهی رتبه‌ای داده‌ها پردازش می‌شود.	۱. بین شاخص‌های رفاه اجتماعی در بین شهرستان‌های استان زنجان، نابرابری وجود دارد. ۲. برنامه‌های اجرایی سبب بی‌تعادلی فضایی و عدالت اجتماعی در برخورداری از رفاه اجتماعی شده است.
۱۳۹۰	هزارجریبی، جعفر صفری شالی‌رضا	رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)	نوشتار حاضر از نوع پژوهش‌های رابطه‌ای است که در آن، به شناسایی روابط و برهمکنش متغیرها پرداخته می‌شود.	براساس عوامل تعیین‌کننده رفاه و براساس مدل رگرسیون، متغیرهای «اعتماد به کارایی مسئولان، دین‌داری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد»، احساس عدالت اجتماعی تأثیر مثبتی بر رفاه اجتماعی شهروندان دارد.

منبع: نگارندگان

نزدیک‌تری با ابعاد رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی دارند و نیز در بعد شهری و در مقیاس نواحی یک منطقه کاربردی‌ترند. رفاه دو بعد عینی و ذهنی دارد که مؤلفه‌های مشترک با آن از این ابعاد حذف شده و تنها دو مؤلفه روابط

اجتماعی و شرایط بهینه محیط انتخاب شده است که هریک شاخص‌هایی دارند. سپس در بحث مطلوبیت و رضایتمندی، شاخصه برخورداری از امکانات نمایان می‌شود. پس از این، آنچه از اشتراکات مطرح شده است، همراه با دسته‌بندی مختلف شاخص‌های رفاه اجتماعی و مشورت متخصصان حوزه به انتخاب چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و کالبدی رسیده است.



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش
منبع: نگارندگان

روش پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به توسعه دانش کاربردی در زمینه‌ای خاص و تغییرات سطح رفاه اجتماعی در بازه زمانی مشخصی توجه دارد، می‌توان آن را در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار داد. براساس داده‌های مورد نیاز نیز در گروه پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد و تحلیل آن از نوع محتوا و پیمایشی است. از نظر زمانی این پژوهش مقطعی است که هدف آن توصیف شرایط حاکم بر مناطق است که می‌تواند مبنایی برای مطالعات آینده باشد. روش گردآوری داده‌ها ترکیبی از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای و پیمایشی است. ابزارهای داده‌ها در روش کتابخانه‌ای با استفاده از فیش، جدول‌ها و استفاده از نقشه‌ها و تحلیل گردآوری اسناد بوده است. در ارتباط با روش میدانی نیز مشاهده به صورت مستقیم و با ارائه پرسشنامه و مصاحبه حضوری با افراد و ساکنان مناطق به طور تصادفی انجام شده است. با توجه به اطلاعات به دست آمده از برداشت‌های میدانی و شاخص‌های استخراج شده از مطالعات کتابخانه‌ای، تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی توزیع این شاخص‌ها در مناطق شهری، همچنین مقایسه دو ناحیه، برای ارزیابی سطح رفاه اجتماعی عادلانه از آزمون t و برای اولویت‌بندی شاخص‌ها با استفاده از نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها، از نرم‌افزار spss (آزمون فریدمن) استفاده شده است. رفاه اجتماعی نیز در نواحی شهری به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های آن به منزله متغیرهای مستقل در این پژوهش سنجیده و ارزیابی شده است.

فرضیه ۱. توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین براساس نیاز ساکنان و به گونه‌ای عادلانه صورت نگرفته است.

فرضیه ۲. از میان شاخص‌های رفاه اجتماعی، وضعیت اشتغال عاملی تعیین‌کننده در ایجاد عدالت اجتماعی در منطقه قزوین است.

فرضیه ۳. شاخص‌های رفاه اجتماعی در ناحیه امامزاده علی در مقایسه با امامزاده حسین در سطح مطلوب‌تری قرار دارد.

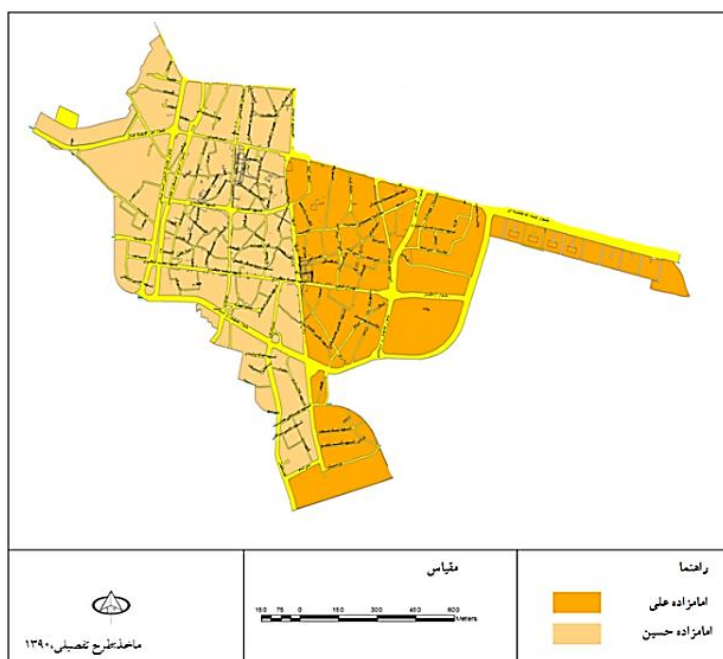
جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش ساکنان نواحی منطقه ۱ شهر قزوین و ۱۰۴۰۰۷۰ نفر هستند. حجم نمونه آماری این پژوهش با استفاده از انحراف معیار پیش‌آزمون و فرمول کوکران ۳۸۳ نفر محاسبه شده است، اما به دلیل ایجاد اشباع نظری که یکی از مراحل مهم در پژوهش کیفی و کمی است، در این پژوهش حجم نمونه آماری ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شده که نتایج به دست آمده برای ادامه روند پژوهش کافی بوده است. در پایان نتایج آن را به دلیل تشابه جامعه آماری می‌توان به کل آن تعمیم داد. ناحیه امامزاده علی و امامزاده حسین در منطقه ۱ شهرداری قزوین با ۶۹۱/۲ هکتار در بخش جنوبی شهر قزوین قرار دارند. این منطقه از ۲ ناحیه شهری و ۲۲ محله (۱۱ محله عرفی) است که در مقایسه با کل شهر تراکم بالایی دارد (رفعیان، ۱۳۹۱: ۹). دو ناحیه مذکور در شکل ۲ نشان داده شده است.

بررسی نمونه موردی

وضعیت کالبدی محدوده مطالعاتی

کاربری اراضی شهری: هدف از وضع موجود کاربری‌ها در پژوهش مورد نظر، بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات رفاهی، اجتماعی و تأسیسات و تجهیزات شهری، همچنین نحوه استقرار و توزیع آن‌ها در منطقه ۱ شهر قزوین است. بررسی کاربری اراضی و مقایسه نوع کاربری‌ها براساس طرح تفصیلی، نشانگر فزونی کاربری مسکونی در مقایسه با سایر کاربری‌ها، و تنوع کمتر کاربری‌های فضای سبز و خدماتی در مقایسه با نیازها و خواسته‌های شهروندان است (مهندسی مشاور شهر و برنامه، ۱۳۹۰).



شکل ۲. ناحیه‌بندی منطقه ۱ شهر قزوین

- کیفیت ابنیه و طبقات: از آنجا که هدف از مطالعات درباره کیفیت ابنیه، تعیین درجه‌های مختلف فرسودگی است، با توجه به موضوع پژوهش و در نظر گرفتن یکی از معیارهای عدالت اجتماعی تحت عنوان رضایتمندی و پرسش از ساکنان منطقه، اطلاعات فوق بیانگر درصد زیادی از ابنیه مرمتی است که در نواحی منطقه ۱ قزوین استقرار دارد و در رتبه دوم ابنیه تخریبی است. با بررسی مساحت زمین ساختمان‌ها در منطقه ۱ شهر قزوین مشخص می‌شود که زمین‌های یک طبقه در قیاس با سایر طبقات سهم بیشتری دارد.

وضعیت اجتماعی و اقتصادی محدوده مطالعاتی

بررسی جمعیت و تغییرات اجتماعی آن، وضعیت اشتغال، نیروی فعال و... در برنامه‌ریزی شهری و به تبع آن در برخورداری از سطح عادلانه رفاه اجتماعی در شهر اهمیت زیادی دارد.

- ساختمان سنی

جدول ۲. ترکیب سنی منطقه ۱ قزوین به تفکیک نواحی در سال ۱۳۹۰

گروه سنی	ناحیه امامزاده علی	ناحیه امامزاده حسن
۰-۱۴ سال	۷۹۸۵	۱۰۴۱۱
۱۵-۶۴ سال	۳۲۶۴۹	۳۸۴۱۶
+۶۵	۳۷۲۹	۴۴۸۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

با توجه به جدول ۲، بیشترین میزان جمعیت در ناحیه امامزاده حسین، گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و کمترین میزان در هر دو ناحیه گروه سنی کهن سال است.

- شاخص توسعه انسانی یا HDI^۱

۱. میزان سواد: سواد یکی از شاخص‌های مهم برای مقایسه ویژگی‌های اجتماعی در نواحی مختلف است که افزایش آن در جامعه، بهره‌وری در تولید، میزان رفاه اجتماعی و امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد و ناهنجاری‌ها و بزه‌های اجتماعی را کم می‌کند. با توجه به اطلس جامع شهر قزوین، سواد در ناحیه امامزاده علی سطح بالاتری دارد.

۲. امید به زندگی: شاخص امید به زندگی یعنی «تعداد سال‌هایی که انتظار می‌رود فرد از لحظه تولد تا رسیدن به آن زنده بماند» در استان قزوین برای آقایان ۷۲ و برای بانوان ۷۴ سال است (سالنامه آماری قزوین، ۱۳۹۲).

۳. قدرت خرید: با توجه به آمار، بیشترین هزینه‌های زندگی در قزوین به ترتیب مسکن، خوراک، حمل‌ونقل، ارتباطات و... است.

۴. اشتغال و بیکاری: نیروی انسانی از نظر کمی و کیفی در هر بخش و فعالیتی که مشغول باشد آورنده سطحی از رفاه برای خود و به تبع آن منطقه زندگی خود است. به‌طور کلی منظور از نیروی شاغل، شخصی است که برای خود کار یا شغلی اختیار کرده است و از این شغل به‌عنوان یک تخصص و حرفه آگاهی دارد.

- نرخ بیکاری و اشتغال: نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰ (سالنامه آماری، ۱۳۹۲). مقایسه نرخ بیکاری در بین این دو ناحیه نشان می‌دهد جمعیت بیکار در ناحیه

امامزاده حسین بیشتر است. در دو ناحیه منطقه ۱، نرخ اشتغال مردان در ناحیه امامزاده علی، و نرخ اشتغال زنان در ناحیه امامزاده حسین بیشتر است.

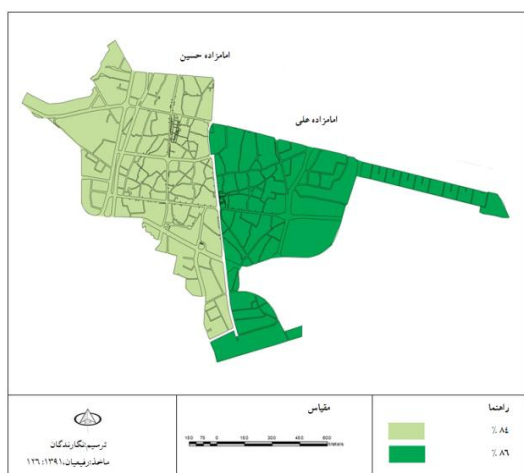
– جمعیت فعال و نرخ فعالیت اقتصادی و تراکم جمعیتی شاغلان

جدول ۳. جمعیت فعال منطقه ۱ شهر قزوین به تفکیک نواحی

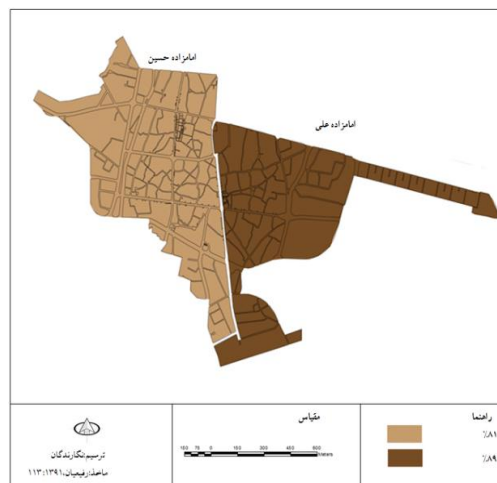
جمعیت فعال در نواحی (نفر)	
ناحیه امامزاده علی	۷۴۸۲
ناحیه امامزاده حسین	۱۱۲۵۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

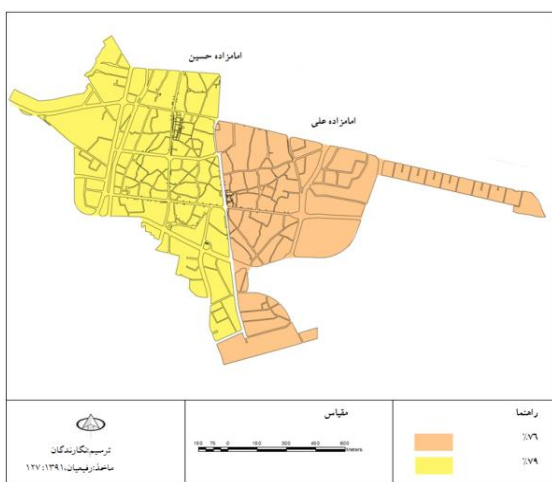
با توجه به تعریف مرکز آمار ایران «نرخ فعالیت اقتصادی عبارت است از نسبت تعداد جمعیت فعال اقتصادی به جمعیت ده‌ساله و بیشتر ضرب در ۱۰۰». در نقشه تدوین شده با مقایسه این دو ناحیه نتیجه می‌گیریم که بیشترین نرخ فعالیت اقتصادی به ناحیه امامزاده علی مربوط است.



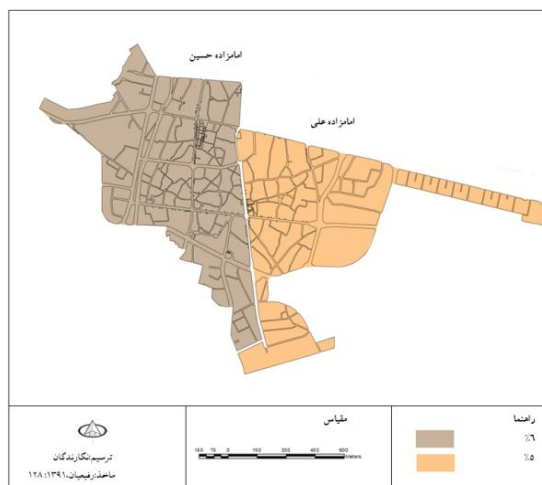
شکل ۴. نرخ اشتغال مردان در نواحی



شکل ۳. درصد باسوادی



شکل ۶. نرخ اشتغال زنان در نواحی



شکل ۵. نرخ بیکاری در نواحی

- بار تکفل (میزان وابستگی): بار کم تکفل سبب بالاماندن سطح رفاه ساکن در خانوار و بالابودن هزینه سرانه آنها می‌شود.

جدول ۴. بار تکفل (میزان وابستگی) نواحی منطقه ۱ شهر قزوین

ناحیه امامزاده حسن	ناحیه امامزاده علی	بار تکفل
۳/۸	۳/۶	

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

بحث و یافته‌ها

هدف از تجزیه و تحلیل، پاسخگویی به نحوه توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی اعم از مسکن، اشتغال، آموزش و پرورش، امکانات، تسهیلات شهری و... در منطقه ۱ شهر قزوین است. با توجه به جدول ۵، از آنجا که در بعد اقتصادی شاخص‌های اشتغال و بیکاری، رضایت شغلی، درآمد سرانه، قدرت خرید و ارزش مسکن، به اشتغال افراد در جامعه وابسته است و غالب افراد با رضایت از این شاخص‌ها مخالفت کرده‌اند، در زمینه خدمات اقتصادی و توزیع بودجه برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی نیاز است به فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در این منطقه توجه بیشتری شود.

در بعد اجتماعی، هدف از پرسش در زمینه مهاجرت، میزان بازگشت ساکنان اصیل به منطقه، به‌ویژه بافت فرسوده است. پاسخ‌دهندگان با این مسئله مخالف بودند؛ زیرا مهاجرت‌ها در منطقه بیشتر شامل مهاجرت اتباع غیرایرانی (افغانی) و افرادی با سطح درآمد و فرهنگی پایین شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت ضعف بیشتر شاخص‌های اقتصادی، در کاهش ثبات خانوادگی و حس فاصله طبقاتی نقش دارد، اما از دید ساکنان این فاصله طبقاتی، بیشتر با سایر مناطق شهر قزوین نمود می‌یابد.

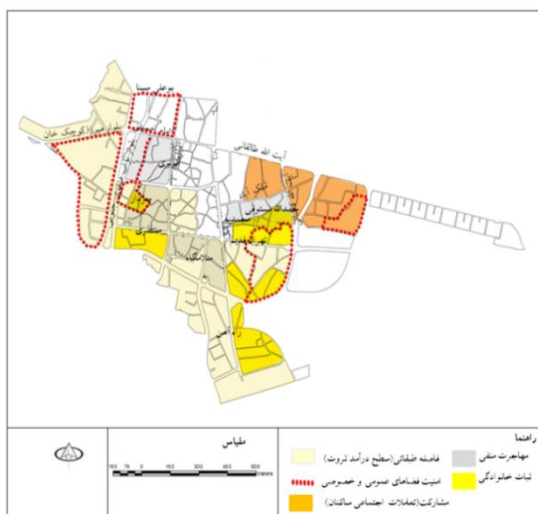
در میان شاخص‌های مطرح‌شده در بعد بهداشتی مانند رضایت از بهداشت فردی، اجتماعی و محیطی، وضعیت سلامت و دسترسی به مراکز درمانی، افراد مخالفت بیشتری دارند. با توجه به آنچه در وضع موجود مطرح شد، بیشترین گروه سنی مورد توجه جوانان و فعالان اقتصادی است. همچنین از آنجا که بیشتر بناهای موجود در بافت مرمتی است، ساکنان رضایت کافی از آنها ندارند.

افزون بر آنچه گفته شد، افراد از مراکز آموزشی (از نظر کیفیت آموزش و بنا) رضایت کافی دارند، اما از میزان انطباق مهارت‌های شغلی و نوع آموزش، به‌ویژه در زمینه امکانات رفاهی، دسترسی متعادل به امکانات ورزشی و فضای سبز در منطقه ناراضی‌اند. درنهایت افراد برای تنوع کاربری‌ها هم با وجود تمرکز کاربری‌های تجاری و خدماتی در منطقه ۱، روند فزاینده‌ای برای آن در نظر نگرفته‌اند که این امر بیشتر در امامزاده علی مدنظر است.

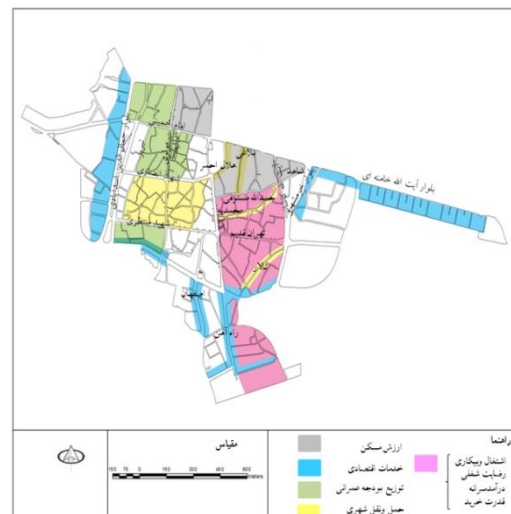
جدول ۵. آمار توصیفی مربوط به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و کالبدی

شاخص	پرسش مربوط به شاخص	درصد بیشترین فراوانی
اشتغال و بیکاری	۱- بیشتر بودن نیروی فعالین به کار نسبت به بیکاران	مخالفم ۴۲/۳٪
	۲- رضایت از وضعیت مشاغل خانگی	مخالفم ۴۸/۷٪
	۳- تناسب نیروی کار با جمعیت ساکن در منطقه	مخالفم ۴۲٪
رضایت تسلی	۴- رضایت از روند ارتقای تسلی	مخالفم ۳۹/۳٪
	۵- قدردانی از نسبت به انجام کار فرد	نظری ندارم ۳۴٪
	۶- رضایت از تناسب تسلی با توانمندی‌ها و علاقه فردی	مخالفم ۵۱/۳٪
درآمد سرانه	۷- دریافت حقوق متناسب در قبال انجام کار	موافقم ۴۹/۳٪
	۸- مزایای جانبی عادلانه در تسلی	موافقم ۵۱/۳٪
	۹- رضایت از فرصت‌های تسلی برای افزایش حقوق	موافقم ۴۰٪
قدرت خرید	۱۰- افزایش تجهیزات و لوازم خانه در شش ماه گذشته	مخالفم ۵۲/۳٪
	۱۱- افزایش وسایل سرگرمی برای فرزندان در شش ماه گذشته	مخالفم ۳۶٪
	۱۲- مطلوبیت هزینه برای خرید و اجاره واحد مسکونی	مخالفم ۵۲/۳٪
ارزش مسکن	۱۳- واحد مسکونی زیر ۱۵ سال	موافقم ۵۲/۷٪
	۱۴- رضایت از فرصت اقتصادی برابر در محل زندگی	مخالفم ۲۸٪
	۱۵- رضایت از سازگاری کاربری‌های متنوع اقتصادی	مخالفم ۴۱/۳٪
توزیع بودجه	۱۶- تمرکز سرمایه‌گذاری عمرانی در نواحی شمالی منطقه	کاملاً موافقم ۴۷/۳٪
	۱۷- رضایت از دسترسی به حمل و نقل عمومی	مخالفم ۲۸٪
	۱۸- هزینه زیاد سفر، مهمترین کاستی شیوه‌های حمل و نقل	مخالفم ۵۲/۳٪
حمل و نقل شهری	۱۹- افزایش مهاجرت به محله	مخالفم ۳۶/۷٪
	۲۰- رضایت از روابط درون خانواده	مخالفم ۳۵/۳٪
	۲۱- توجه به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه محله و...	نظری ندارم ۴۴٪
مهاجرت	۲۲- رضایت از تعاملات اجتماعی جمعیت ساکن در محل زندگی	مخالفم ۳۹/۳٪
	۲۳- توزیع ناعادلانه یارانه یکسکن بین گروه‌های مختلف	موافقم ۴۹/۳٪
	۲۴- توزیع نابرابر ثروت و درآمد در بین افراد محل زندگی	مخالفم ۴۱/۳٪
فصله طبقاتی	۲۵- نقش کم‌رنگ زنان در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی در خانواده	مخالفم ۳۳/۳٪
	۲۶- رضایت از امنیت فضاهای خصوصی و عمومی محله زندگی	مخالفم ۳۶٪
	۲۶- امنیت	مخالفم ۳۶٪

تساخص	پرسش مربوط به تساخص	درصد بیشترین فراوانی
بهداشت	۲۷- افزایش کیفیت زندگی و محیط عامل ارتقای سطح سلامتی روحی و خشنودی در محله	نظری ندارم ۳۹/۳٪
	۲۸- احساس سلامتی از ماه گذشته تا امروز	مخالفم ۳۹/۳٪
	۲۹- تحت پوشش بودن تمام افراد خانواده از خدمات رفاهی از جمله خدمات درمان	مخالفم ۳۷/۳٪
	۳۰- رضایت از بهداشت محیط	مخالفم ۴۴٪
	۳۱- رضایت از دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی در منطقه	مخالفم ۴۲/۷٪
	۳۲- افراد ناتوان جسمی و معلولین به عنوان مهمترین گروه تحت پوشش برنامه های رفاهی در محدوده زندگی پرسش شوندگان معلولین	مخالفم ۵۹/۳٪
کابردی	۳۳- رضایت از کیفیت و استحکام واحد مسکونی	مخالفم ۳۷/۳٪
	۳۴- رضایت از تعداد اتاق های واحد مسکونی	موافقم ۵۰/۷٪
	۳۵- رضایت از کیفیت مراکز آموزشی در منطقه	موافقم ۳۹/۳٪
	۳۶- تناسب تعداد مراکز آموزشی یا جمعیت ساکن در محدوده	موافقم ۳۶٪
	۳۷- رضایت از انطباق آموزش و مهارت شغلی یا مشاغل پراکنده در محل زندگی	نظری ندارم ۳۳/۳٪
	۳۸- رضایت از دسترسی به امکانات ورزشی	کاملاً مخالفم ۵۰/۷٪
	۳۹- مطلوب بودن امکانات تفریحی و فضای باز و سبز	نظری ندارم ۳۸٪
	۴۰- روند افزایشی کاربری های متنوع جاذب گروه های سنی مختلف	نظری ندارم ۳۹/۳٪



شکل ۸. محدوده‌های ضعیف در شاخص‌های اجتماعی



شکل ۷. محدوده‌های ضعیف در شاخص‌های اقتصادی



شکل ۱۰. محدوده‌های ضعیف در شاخص‌های کالبدی



شکل ۹. محدوده‌های ضعیف در شاخص‌های بهداشتی

در شکل‌های ۷ تا ۱۰، با توجه به پاسخ پرسش‌شوندگان این دو ناحیه و وضع موجود، محدوده‌هایی با ضعف بیشتر در شاخص‌های رفاه اجتماعی به صورت پهنه نشان داده شده است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین براساس نیاز ساکنان و به صورت عادلانه صورت نگرفته است.

فرض H_0 : شاخص‌های رفاه اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین براساس نیاز ساکنان و به صورت عادلانه توزیع شده است.

فرض H_1 : شاخص‌های رفاه اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین براساس نیاز ساکنان و عادلانه توزیع نشده است.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، از t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. همچنین برای بررسی توزیع عادلانه شاخص‌های رفاه اجتماعی از آزمون میانگین استفاده شده که به بررسی میانگین به دست آمده از پرسشنامه‌ها با متوسط فرضیه خود پرداخته است. نتیجه این آزمون شامل دو خروجی است؛ خروجی اول (جدول ۶) مقدار میانگین نمونه را نشان می‌دهد (۱۱۳/۰۳۶۵) و از $test\ value$ (۱۲۰) کوچک‌تر است که این امر باید از طریق آمار استنباطی (آزمون فرض یا فاصله اطمینان) تأیید شود. در خروجی دوم در جدول ۷ که ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم بین متوسط فرض با میانگین حاصل از پرسشنامه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه مقدار میانگین مورد بررسی از مقدار متوسط کمتر شده، و حد پایین و حد بالا نیز منفی است و نشان می‌دهد میانگین از مقدار مورد آزمون کوچک‌تر است، عادلانه نبودن توزیع شاخص‌های رفاهی تأیید می‌شود؛ بنابراین، فرضیه H_0 رد و فرضیه اول تأیید می‌شود.

جدول ۶. آمار توصیفی مربوط به آزمون فرض اول

One-Sample Statistics

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
kol	۱۳۷	۱۱۳/۰۳۶۵	۲۰/۳۰۰۸۳	۱/۸۳۴۴۲

جدول ۷. آمار استنباطی و نتایج آزمون فرض اول

One-Sample Test						
Test Value = ۱۲۰						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
kol	-۴/۰۱۵	۱۳۶	۰/۰۰۰	-۶/۹۳۵۰	-۱۰/۳۹۳۴	-۳/۵۳۳۶

فرضیه دوم: از میان شاخص‌های رفاه اجتماعی، وضعیت اشتغال عاملی تعیین‌کننده در ایجاد عدالت اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین است.

فرض H_0 : از میان شاخص‌های رفاه اجتماعی، وضعیت اشتغال، عاملی تعیین‌کننده در ایجاد عدالت اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین است.

فرض H_1 : از میان شاخص‌های رفاه اجتماعی، وضعیت اشتغال، عاملی تعیین‌کننده در ایجاد عدالت اجتماعی در منطقه ۱ شهر قزوین است.

به‌منظور بررسی فرضیه دوم، تمام شاخص‌ها با آزمون فریدمن اولویت‌بندی شده سپس بیشترین رتبه به عامل تعیین‌کننده در برقراری رفاه عادلانه در منطقه تعلق گرفته است. نتیجه آزمون شامل دو خروجی است؛ خروجی اول جدول ۸ آمار توصیفی است که با توجه به میانگین رتبه‌های هر شاخص مشاهده می‌شود سه شاخص اول در وضعیت اشتغال تأثیرگذار بوده و بیشترین رتبه را داشته‌اند. خروجی دوم بیانگر مقدار معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ است (این عدد به دلیل استفاده از ضریب اطمینان ۹۵ درصد است). فرض H_0 رد شده؛ پس نتیجه می‌گیریم از نظر پاسخ‌گویان بین عوامل اختلاف رتبه وجود داشته است. حال با توجه به اینکه سه شاخص مربوط به اشتغال در سه رده اول این رتبه‌بندی قرار گرفته‌اند نتیجه می‌گیریم که وضعیت اشتغال عاملی تعیین‌کننده در ایجاد رفاه اجتماعی بر پایه عدالت اجتماعی است؛ بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

جدول ۸. آمار توصیفی مربوط به آزمون فرض دوم. جدول ۹. آمار استنباطی آزمون فرض دوم

Test Statistics ^a		Ranks	
N	۱۵۰	Mean Rank	
Chi-Square	۲۱۴۷/۱۳۵	۲۰/۷۳	daraad.sarane
df	۲۱	۱۸/۹۳	eshteghal.bikari
Asymp. Sig.	۰/۰۰۰	۱۸/۵۱	rezayat.shoghli

فرضیه سوم: توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی در ناحیه امامزاده علی در مقایسه با امامزاده حسین در سطح مطلوب‌تری قرار دارد.

فرض H_0 : شاخص‌های رفاه اجتماعی در ناحیه امامزاده علی در مقایسه با امامزاده حسین در سطح مطلوب‌تری توزیع نشده است.

فرض H_1 : توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی در ناحیه امامزاده علی در مقایسه با امامزاده حسین در سطح مطلوب‌تری است.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

به‌منظور بررسی فرضیه، از آزمون اختلاف میانگین دو جامعه یا همان آزمون t دو نمونه مستقل استفاده شده است. در جدول ۱۰ تعداد داده‌ها و شاخص‌ها برحسب دو دسته امامزاده علی و امامزاده حسین به صورت مجزا نشان داده شده است.

در جدول ۱۱، با توجه به اینکه مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بین دو جامعه فوق اختلاف معنادار وجود دارد، اما با توجه به اینکه میانگین در امامزاده علی از امامزاده حسین کمتر است، فرضیه H_1 رد و فرضیه H_0 تأیید می‌شود.

جدول ۱۰. آمار توصیفی مربوط به دو نمونه امامزاده علی و امامزاده حسین

Group Statistics					
	area	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
kol	e.ali	۶۴	۱۰۲/۴۴۴	۱۷/۸۷۵۷۲	۲/۲۵۲۱۳
	e.hosein	۸۶	۱۲۲/۰۵۴۱	۱۷/۸۰۸۶۴	۲/۰۷۰۲۱

جدول ۱۱. آمار استنباطی و نتایج آزمون فرض سوم

Independent Samples Test										
		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
kol	Equal variances assumed	.۳۳۲	.۵۶۰۰	-۰/۶۱۲	۱۳۵	۰/۰۰۰	-۱۹/۶۰۹۶۱	۳/۰۵۸۱۳	-۲۵/۶۵۷۶۵	-۱۳/۵۶۱۵۶
	Equal variances not assumed			-۰/۶۱۰	۱۳۱/۳۷۷	۰/۰۰۰	-۱۹/۶۰۹۶۱	۳/۰۵۹۰۶	-۲۵/۶۶۱۰۰	-۱۳/۵۵۸۲۲

نتیجه‌گیری

رفاه اجتماعی در سطوح نواحی یک شهر، ابزاری قدرتمند و شکل‌دهنده آن چیزی است که باید در اختیار شهروندان باشد که در نهایت به تغییر در کیفیت زندگی مردم براساس نظریه عدالت اجتماعی منجر می‌شود. اهمیت بررسی نواحی و بسط این موضوع در شهر، ناشی از جلوگیری قطب‌های فقیر و غنی و توجه به حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ساختار خرد و کلان شهری است که نوعی نگاه دوسویه از جزء به کل و بالعکس را ملموس‌تر می‌کند. باید توجه داشت که ابعاد رفاه اجتماعی و دیدگاه‌های موجود، اجزای اصلی این امر هستند. در نهایت با بیان اینکه خواسته‌ها و نیازهای مردم شاکله اصلی شاخص‌ها و مؤلفه‌های سازنده رفاه اجتماعی است، تعریف واحدی از تعداد کمی این شاخص‌ها موجود نیست و به فراخور شرایط به معرفی و استفاده از آن‌ها پرداخته می‌شود. به‌طور کلی عدالت اجتماعی دربرگیرنده سه بعد (مؤلفه) نیاز، منفعت عمومی و استحقاق است. رفاه اجتماعی نیز چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و کالبدی را شامل می‌شود. بر این اساس، مقاله حاضر با هدف بررسی و سنجش میزان تأثیرگذاری این ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها در نواحی شهری، همچنین شناسایی مهم‌ترین آن‌ها به‌منظور تقویت و تزریق شاخص‌های رفاه اجتماعی با تأکید بر رویکرد عدالت اجتماعی می‌پردازد. همان‌گونه که گفته شد، اثبات فرضیه اول نشانگر آن است که میانگین از مقدار مورد آزمون کوچک‌تر است؛ پس عادلانه‌بودن توزیع شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی تأیید شده است که بیان‌کننده نارضایتی پاسخ‌دهندگان از نحوه توزیع عادلانه این شاخص‌هاست. فرضیه دوم در نتیجه آزمون فریدمن، مؤید آن است که اشتغال عاملی تعیین‌کننده در ایجاد عدالت اجتماعی در رفاه ساکنان منطقه است. در نهایت با توجه به اینکه پرسشنامه‌ها در دو ناحیه امامزاده علی و امامزاده حسین در منطقه ۱ توزیع شده بود، نتیجه فرضیه سوم مبنی بر توزیع مطلوب‌تر شاخص‌های رفاه اجتماعی در ناحیه امامزاده علی، با استفاده از آزمون t دو نمونه مستقل رد شد که با توجه به بررسی وضع موجود و پاسخ پرسش‌شوندگان، اگرچه در ناحیه امامزاده علی به‌ویژه در قسمت‌های شمالی ناحیه توزیع، شاخص‌ها در حد مطلوب‌تری است، در موارد متعددی پاسخ‌دهندگان (در قسمت‌های جنوبی) نظر مثبتی به سطح مطلوبیت این منطقه به‌ویژه از نظر اشتغال نداشته‌اند. در نهایت، با توجه به نتایج آزمون فرضیات و بررسی نظرات ساکنان نواحی منطقه ۱ و شناخت وضع موجود به‌صورت پهنه‌ای، ضعف‌های هر یک از شاخص‌ها به‌صورت مجزا نشان داده شده است که می‌توان

از آن‌ها برای تقویت هریک از آن‌ها در رسیدن به حد عادلانه و مطلوب زندگی در سطح خرد شهری استفاده کرد. با توجه به فرضیه‌های مطرح‌شده و تعمیم نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت بنا به شرایط و نیازهای ساکنان، توزیع ناعادلانه رفاه بین نواحی در شهرها حاصل می‌شود و بنا به آنچه در پژوهش‌های پیشین و مقاله حاضر انجام شده، شاخص‌ها در بعد اقتصادی بیشترین نقش را در برقراری عدالت اجتماعی در بین نواحی شهری دارند.

منابع

۱. آمارنامه استان قزوین، ۱۳۹۰، استانداری قزوین.
۲. آمارنامه استان قزوین، ۱۳۹۱، استانداری قزوین.
۳. آمارنامه استان قزوین، ۱۳۹۲، استانداری قزوین.
۴. باری، نورمن، ۱۳۸۹، **رفاه اجتماعی**، ترجمه سید اکبر میرحسینی و سید مرتضی نوربخش، سمت، تهران.
۵. بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی‌نژاد، ۱۳۸۷، **شهرسازی رفاه‌گرا به جانب ارتقای کیفیت زندگی**، سازمان شهرداری‌ها و دهرداری‌های کشور، مؤسسه فرهنگی اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی تهران.
۶. رفیعیان، مجتبی، ۱۳۹۱، **اطلس جامع شهر قزوین**، سازمان خدمات طراحی شهرداری قزوین.
۷. زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد، ۱۳۸۶، **توسعه و نابرابری**، انتشارات مازیار، تهران.
۸. شرکت مهندسی آتیه‌ساز و شرکت مهندسی آرمان تردد پارس، ۱۳۹۰، **طرح جامع حمل‌ونقل ترافیک مجموعه شهری قزوین**، کارفرما: شهرداری قزوین.
۹. شکوئی، حسین، ۱۳۷۷، **جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی**، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۰. صانی، صدیقه، ۱۳۹۱، **بررسی میزان کیفیت زندگی مردم شهر اهواز و عوامل مؤثر آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۱. غفاری، غلامرضا و رضا امیدی، ۱۳۸۷، **کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی**، شیرازه، تهران.
۱۲. لطیفی، غلامرضا و مجید سجاسی قیداری، ۱۳۹۰، **رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از فن Topsis**، علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماع، شماره ۷، صص ۱۶۵-۱۹۰.
۱۳. محمودی‌نژاد، هادی و علیرضا صادقی، ۱۳۸۸، **طراحی شهری: از روان‌شناسی محیطی تا رفاه اجتماعی**، هله: طحان، تهران.
۱۴. مدنی، سعید، ۱۳۷۹، **به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی**، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران.
۱۵. مردوخ روحانی، احسان، ۱۳۸۸، **بررسی رابطه رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی در شهر سنندج**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۶. مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۰.
۱۷. مهندسین مشاور شهر و برنامه، ۱۳۹۰، **طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ شهر قزوین**.
۱۸. مهندسین مشاور شهر و برنامه، ۱۳۹۰، **طرح تفصیلی شهر قزوین**.
۱۹. میجلی، جیمز، ۱۳۷۸، **رفاه اجتماعی در جهان**، ترجمه محمدتقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران.
۲۰. نوغانی، محسن، ۱۳۸۷، **کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد**، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۴۰.
۲۱. وارثی، حمیدرضا، زندگی‌آبادی علی و حسین غفوری، ۱۳۸۷، **بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی**، زاهدان: جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۱۳۹-۱۵۶.

۲۲. هاروی، دیوید، ۱۳۷۶، **عدالت اجتماعی و شهر**، مترجمان: فرح حسامیان و دیگران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران.
۲۳. هزارجریبی، جعفر، ۱۳۹۰، **بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)**، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ۳، صص ۴۱-۶۲.
۲۴. هاشمی، امیراسلان، ۱۳۹۱، **بررسی رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت اجتماعی و اقتصادی شهروندان (مورد: شهر زنجان)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.
25. Statistics Qazvin, 2011, the Qazvin governorship.
26. Statistics Qazvin, 2012, the Qazvin governorship.
27. Statistics Qazvin, 2013, the Qazvin governorship
28. Barry, N., 2010, **Social Welfare**, translated by: Seyyed Akbar Mir-Hosseini, SeyedMorteza Nour bakhsh, Tehran, samt.
29. Bemanian, M.R and Mahmoudi nezhad, H., 2008, **Urban Welfare Oriented Towards Improving the Quality Of Life**, organizations municipalities and cultural institutions to inform the press of the country Dehdari, Tehran.
30. Rafieian, M., 2012, **Comprehensive Atlas of The City of Qazvin**, Qazvin municipality of design services.
31. Zahedi Mazandarani, M.J, 2007, **Development and Inequality**, Tehran: Maziar Publication, Fourth Edition.
32. Atiyehsaz engineering company and arman taradodpars engineering company, 2011, **The City of Qazvin Traffic Transport Master Plan, Employer: Qazvin Municipality**.
33. Shakuie, H., 1998, **Applied Geography and Geographic School**, Astan Quds Razavi Publication, Fourth Edition, Mashhad.
34. Sanei, S., 2012, **Evaluation of The Factors That Influence The Quality of Life of People in Ahwaz**, Master's thesis, Social Sciences, University of Allameh TabaTABAEI, Tehran.
35. Ghaffari, G., and omidi, R., 1997, **Quality of Life**, social development indicators, Tehran: Shirazeh.
36. Latifi, G. and SOJASI Kedar, M., 2011, **Ranking Level of Social Welfare City of Zanjan Province Techniques Using TOPSIS**, Social Sciences, Social Welfare and Development Planning, No. 7, PP. 165- 190.
37. Mahmoudi nezhad, H., and Sadeghi, A.R., 2009, **Urban Design: From Environmental Psychology to Social Welfare**, Helle: Tahan, Tehran.
38. Madani, S., 2000, **Towards a Comprehensive System of Social Welfare**, Welfare Organization and University of Welfare and Rehabilitation, Tehran.
39. Rohani Murdokh, E., 2002, **The Relationship Between Social Welfare and Funds Community in The City Of Sanandaj**, Social Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran.
40. Statistical Center of Iran, Census 2011.
41. Consulting Engineers citizens program, 2011, Development plan and sphere of influence in Qazvin.
42. Consulting Engineers citizens program, 2011, Detailed Project of Qazvin.
43. Myjly, J., 1999, **Social Welfare in The World**, translated by: Mohammad Taghi Chagatai, Tehran University of Social Welfare and Rehabilitation.
44. Noghani, M., 2008, **Quality of Life and its Relationship With Social Capital in The City of Mashhad**, Mashhad Ferdowsi University Journal of Social Sciences Faculty of Literature and humanities, No.1, pp.111-140.
45. Warsi, H, R, Zangi Abadi, A. and Yghfory, H., 2008, **A Comparative Study of The Distribution of Urban Public Services From The Perspective of Social Justice**, Zahedan: Geography and Development, No. 11, PP.139-156.

46. Harvey, D., 1997, **Social Justice and City**, translators: Hsamyar Farah, et al., processing and urban planning, Tehran
47. Hezarjaribi, J., 2012, **To Investigate the Factors Influencing Sense of Social Justice (Case Study of Tehran)**, Applied Sociology, Vol. 23, No. 3, PP.41-62.
48. Hashemi, A., 2012, **Investigate the Relationship Between Social and Economic Welfare With the Participation of The Citizens (of The City)**, Master's thesis, Social Sciences, Islamic Azad University of Zanjan.
49. Alla A. K., and Evgeniya V. S., 2015, **Justice as an Indicator of Well-Being in Modern Society**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol. 166, PP.122- 126.
50. Gordon, R., 2000, **an Introduction to Social Policy: Values in Social Policy**, the Robert Gordon University, UK.
51. Gray, R., 2002, **The Social Accounting Project and Accounting Organization and Society Privileging Engagement**, Imaging New Accounting, Accounting Organization and Society, the Centre for Social and Environmental Accounting Research, University of Glasgow, 65–71 Southpark Avenue, Glasgow G12 8LE, UK, PP. 687-708.
52. Hewstone, B. and Strobe, W., 2001, **Introduction to Social Psychology**, Blackwell publishers, Third edition.
53. Larke, M., and Sardar, M.N., Islam, 2003, **Measuring Social Welfare: Application Of Social Choice Theory**, journal of socio- Economics, Vol. 32, PP. 1-15.
54. Lubov, I., and Tatjana, L. 2015, **Modern Social Welfare in The Light of The Sustainability Model**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol. 166, PP. 111–115.
55. Osman, M. M., Bakri, N. I. M., Bachok, S., Ibrahim, M., & Mohamed, M. Z. (2015). **Assessing social welfare department service delivery system towards vulnerable and disadvantages group in Malaysia: case study of Perak**. *Procedia Environmental Sciences*, 28, 418-426
56. Runciman, W.G., 1966, **Relative Deprivation and Social Justice**, London.
57. Steven L., 1991, **Essays in Soci Theory**, Macmillan, 1978, P. 1890.
58. Vouvaki, D. and Anastasios E., 2008, **Changes in Social Welfare and Sustainability: Theoretical Issues and Empirical Evidence**, Ecological Economics, Vol. 67, PP. 473- 484.